

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دگرمن احمد قندهاری

۱۰ اپریل ۲۰۱۴

اگر خلاف گفته ام بفرمائید!!!

در تاریخ جامعه بشری هیچ کسی مخالف انتخابات نخواهد بود ، و لو اگر یک صنف مکتب هم نخوانده باشد!! مگر باید اهمیت انتخاب و انتخابات باید ارزیابی شود:::

انتخابات برای کدام انتخاب، و چه نوع انتخابات؟

انتخاب کسانی که در طی سه و نیم دهه عامل اصلی بدبختی های مردم ، و ویرانی همه زیربنای اقتصادی و اجتماعی کشور عزیز ما بودند؟

انتخاب کسانی که طراحان اصلی همین نظام فاسد و غیر مردمی هستند؟

انتخاباتی که به بودجه های میلیون دلاری غرض احداث پایگاههای نظامی امریکا از خارج بر مردم ناآگاه ما وارد شده؟
انتخاباتی که تمام نابسامانی های این سرزمین مریض و زخمی را توسط این ناقضین حرامزاده و ضد حقوق بشری و جنایتکاران جنگی قانونمند و مشروعیت ببخشند تا سرحد اشغال؟

از این که عده کثیری از مردم در شرایط هوای نامساعد و بارانی در مراکز رأی دهی اشتراک نمودند قابل ستایش بود ولی قابل تعمق و غور بررسی نیز!

عوامل و ملحوظات آن در خور اهمیت موضوع می باشد. در این برهه زمان از وظایف روشنفکران بود که به مردم آگاهی سیاسی داده می شد.

در گذشته تاریخ افغانستان انتخابات ریاست جمهوری تا قبل از دوره اشغالی انجام نشده، ولی تاریخ افغانسان شاهد انتخابات پارلمانی می باشد.

که آن انتخابات از ثمره دست آورد ها و خودگذری های آزادیخواهان مشروطه طلب بر حکومت های شاهی ، خودکامه و زورگو قبولانده شد و وارداتی نبود.

از جمله انتخابات دوره دوازدهم در ۱۳۴۳ را که این قلم شاهد آن بودم مختصراً قابل تذکار می دانم:

انتخابات آن زمان که برای ۲۱۶ نماینده از سرتاسر کشور تحت نظر ارگانهای دولتی و محلی انجام پذیرفت هیچ گونه اداره مستقل و مشخصی تعیین نشده بود و نه کدام بودجه برای هر کاندید؛ یعنی که در آن زمان از کمپسونها ، و ریاست های میلیون دلاری انجوبازان صحنه ساز خارجی و امریکائی خبری نبود. و به گونه امروزی صدها رسانه خبری، تلویزیونی و رادیویی ، نهاد های مدنی میلیون دلاری و ... در ذهن ما تصورش هم نمی گنجید.

تنها زمانی که هر نماینده کاندیداتوری اش از طرف دولت پذیرفته می شد به اصطلاح امروزی به کمپاین انتخاباتی اش آغاز می نمود. ولی بسیار ساده و با امکانات ناچیز که تنها فوتو، سوانح قلمی و مرام کاری اش در روزنامه های

ولایات و یا مرکز به نشر سپرده می شد و بعضاً هم فوتو و مرام شان بر روی صفحه خرد کاغذی چاپ و بر دیوار ها و پایه های برق در ولایات نصب شده بود. طوری که از هر ولسوالی یک نماینده و در سطح ولایات (به غیر از شهر کابل) دو نماینده پارلمانی تعیین می شد.

شماری از کاندیدان از زمره همان مشروطه خواهان و همچنین چهار پنج نفر هم از (ح. د. خ.) بود. ولی ناگفته نباید گذاشت مالکان بزرگ زمین و منتفذین اکثریت را داشتند.

زمان رأی دهی ۱۳ روز تعیین شده بود و مراکز رأی دهی مساجد و مکاتب به غرض سهولت مردم مشخص شده بود.. مردم آزادانه بدون کدام هراس به مراکز رأی دهی رفتند و به نماینده مورد قبول خویش رأی داند، ولی رنگ قوم گرائی تأثیر گذار بود.

دولت هم در بعضی نقاط کشور در خفا مداخله می نمود.

از جمله روشنفکران مشروطه خواه یکی هم طالب قندهاری (که بعضی اوقات در مقابل زورمندان دولتی طالب هزاره تخلص می کرد) بود، که در حوزه اول شهر قندهار در مقابل عبدالرحیم هاتف کاندید شده بود، تمام شهر قندهار نظر به تعداد ناحیه به دو حوزه تقسیم بود که از هر حوزه یک نماینده تعیین می گردید. در شروع کاری هر حوزه چندین کاندید داشت که تعدادی به نفع یک دیگر گذشتند، تا روز نهائی کمپاین در حوزه اول دو نفر به انتخابات رفتند.

اولین مجلس کمپاین انتخاباتی چون ایام جشن استقلال بود در کمپ مدیریت معارف قندهار برگزار شد که از جمله سخنرانانی که خود هم کاندید بود روان شاد آقا محمد کرزی بود که پیش از کاندید شدن سمت مدیریت اطلاعات و کلتور ولایت قندهار را داشت..

جمع کثیری از جوانان روشنفکران و معلمین غرض شنیدن سخنرانی های کاندیدان حضور رسانیده بودند.

روان شاد آقامحمد کرزی که از جمله مشروطه طلبان بود سخنرانی بس پرشور و پرهیجانی ایراد کرد که به استقبال بس گرم و پرشور حاضران مواجه بود، او از فقر، بی سوادی و عقب ماندگی ما سخن گفت که برای شنونده بی سابقه بود و نظر به احصائیه بین المللی آن زمان از عاید یک تبعه افغانستان که کمتر از یک دالر بود بر معلومات و دانش سیاسی جوانان می افزود.. تمام این میتنگ ها و مجالس قومی بدون کدام هزینه دولتی رضا کارانه از جانب مردم محل برگزار می شد.

این قلم که تازه از لیسه احمد شاه بابا فارغ شده بودم نظر به علاقه مندی که به امور سیاسی داشتم در کمپین انتخاباتی شادروان طالب قندهاری حصه گرفتم ، طالب قندهاری پسر یک دهقان بی زمین بود که پدرش در زمان امیر غدار و ظالم(عبدالرحمان خان) از گیزاب ارزگان به قندهار سکونت اختیارنموده ، طالب که دوره ابتدائیه را در قندهار و مکتب احکام آن وقت را در کابل اکمال نموده بود. طالب یک شاعر ورزیده زبان دری و پشتوی بود که اشعار پشتویش در کتب درسی مکتب توجه همه را به خود جلب کرده بود ، در کتاب مضمون پشتو صنف هشت و یا نه شعرزیبایش به نام (د یتیم ژرا) چاپ شده بود.

طالب که از صف مردم برخاسته بود حتی خانه نشمین هم نداشت به علاوه فهم و دانش علمی و ادبی که داشت او یک انسان جوانمرد و عیاربود سفره نانش بر روی همه کس باز بود و هر آنچه کسب کرد به نیازمندان معاونت کرد..

از موضوع به دور نرفته باشم کاندیدان هیچ منبع پولی از خارج و یا از جانب دولت نداشتند بلکه مصارف که بسیار نا چیز هم بود از داشته های شخصی کاندیدان و بعضاً هم از جانب تاجران و مردم محل رضاکارانه تمویل می شد. که فوق العاده قابل ستایش بود..

در حوزه های مبارزه انتخاباتی مجالس در مساجد و یا خانه های شخصی در یک فضای صمیمانه بدون کدام دغلی و منفعت جوئی دایر می گردید، که حتی اکثر روزها جای هم نبود و امروز مشاهده می شود که محافل میلیون دلاری در

هوتل انترکانتیننتال و امثالهم به مهمانداری الی هزارنفر دایر می شود که قیمت یک جای الی ده دالر می باشد این خود صف باز دهی دارد.

طالب قندهاری هم که از جمله یاران روانشادان غبار و داکتر محمودی فقید بود کاندید حوزه اول قندهار در مقابل عبدالرحیم هاتف شد.

به جانبداری از طالب دو و یا سه مجلس تبلیغاتی رضاکارانه از طرف مردم محل برگزار گردید، که شخصاً طالب حضور نداشت و در کابل به کارهایش مصروف بود.

برای تأمین امنیت سپاه و لشکر ناتو نبود تنها عیاران محلی کمر به حفظ و مراقبت مراکز رأی دهی و صندوقهای رأی بستند.

طوری که از طرف هر کاندید سه یا چهار نفر رضاکارانه بدون مزد و ۲۴ ساعته موظف شده بودند.

ولی مردم عوام انقدر به دیموکراسی و رأی دهی آشنائی نداشتند، تعداد نفوس به تناسب امروزی اندک بود تعداد رأی دهندگان هم کم بود ولی به تناسب فیصدی نظر به امروز رقم بالاتر را دارد.

در یکی از مجالس عمومی تبلیغاتی این قلم به تشریح دیموکراسی و حق رأی دهی و اهمیت آن توأم با چند مثال از دیموکراسی های مردمی در چند کشور جهان سخنرانی مختصری داشتم که از جانب حاضران مجلس استقبال بسیار گرم و پر شور شدم، و مورد خشم علمای کرام قرار گرفتم.

در مراکز انتخابات از طرف هر نماینده دو نفر کاتب تعیین گردیده بود که موظف به رأی شماری بودند و در انجام هر روز حساب هر کاندید معلوم می شد.

در روز سیزدهم که ختم رأی دهی بود طالب اکثریت آراء را داشت به اضافه تقریباً هزار رأی بر کاندید مقابلش پیروز بود، ولی با مداخله والی (محمد صدیق خان) و چند متنفذ قومی تنها در حوزه اول از ۱۳ روز به ۱۶ روز رأی دهی تمدید گردید. که در نتیجه به ناکامی طالب و پیروزی هاتف تمام شد.

جمله رأی دهندگان حوزه اول به ۱۲ هزار می رسید. که ۵۸۰۰ مربوط طالب قندهاری بود.

در روز شانزدهم که نتایج اعلام می گردید چون محل شمارش آراء مسجد ملا فراح الدین که در بازار هرات قندهار موقعیت داشت تعیین شده بود چندین هزار رأی دهنده در بازار برای نتایج صف کشیده بودند که باور نکردنی بود. شور و هیجان به خاطر تقلب بسیار زیاد بود که به اعلام یک کلان و ریش سفید آرامش عمومی بر قرار گردید و هیچ نیروی امنیتی مداخله نداشت.

این بود شمه ای از انتخابات آنروزی و تاریخی.

و اگر روشنفکران نویسنده بیرونی به داخل افغانستان قدم رنجه نمایند از ویژگی های درون مردم و نظرات ایشان آگاهی حاصل خواهد نمود که چه دردی از فقر بیکاری مواد مخدر زورگوئی زورمندان، در سینه دارند.

به امید یک انتخابات عادلانه و مردمی در افغانستان آزاد و مستقل که در آن مردم در زیر سایه بیگانگان، با رأی شان بر انتصابات صحنه نگذارند.

دگرمن احمد قندهاری.

۲۰۱۴ / ۸ / ۴